

Examining the government's civil responsibility for the violation of citizen's rights and the authorities dealing with it in Iranian law and common law

hamid sarfaraz¹, mansoor amini²✉

Abstract

Citizenship rights are one of the most important concepts of today's societies, which are closely related to various branches of theoretical and practical science. We tried to deal with the civil responsibility of violation of civil rights in a comparative manner with modern societies and the Universal Declaration of Human Rights. How important is the guarantee of the implementation of citizenship rights in Iranian law and the Universal Declaration of Human Rights? We believe that the executive guarantee of citizenship rights in Iran's laws is legal and moral and has no guarantee of implementation. The Universal Declaration of Human Rights basically has no guarantee of implementation except in cases where the guarantee of its implementation is declared through the resolutions of the United Nations Security Council and the General Assembly. Its content is mainly the application of economic and political sanctions. Violation of citizenship rights creates responsibility for which persons, according to the role that today's governments play in society, is the government responsible for the violation of citizenship rights?

Keywords: Responsibility violation citizenship compensation

*Citation (APA): sarfaraz, H., & amini, M. (2023). Examining the government's civil responsibility for the violation of citizen's rights and the authorities dealing with it in Iranian law and common law. *International Legal Research*, 15(58), 139 - 168
https://alr.ctb.iau.ir/article_699573.html

1. Department of Private Law, Faculty of Law, Theology and Political Science, Science and Research Branch- Islamic Azad University, Tehran, Iran. hameidsarfaraz@gmail.com

2. Professor, Department of Private Law, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. aminimansour@yahoo.fr

مسئولیت مدنی دولت در قبال نقض حقوق شهروندی و مراجع رسیدگی کننده به آن در حقوق ایران و کامن لا

حمید سرفراز^۱، منصور امینی^۲ ✉

چکیده

حقوق شهروندی از جمله مفاهیم و شاخص‌های مهم جوامع مدرن امروزی است که ارتباط وثیقی با شاخه‌های مختلف علم نظری و عملی دارد. این مقاله بر آن است تا به مسئولیت مدنی ناشی از نقض حقوق شهروندی به صورت تطبیقی با جوامع مدرن خصوصاً اعلامیه جهانی حقوق بشر بپردازد. مسئله اصلی ضمانت اجرای حقوق شهروندی است این سوال مطرح است که ضمانت اجرایی حقوق شهروندی در قوانین حقوقی ایران و اعلامیه جهانی حقوق بشر به چه نحوی است؟ با توجه به تحقیق صورت گرفته در این مقاله به این نتیجه رسیدم که ضمانت اجرایی حقوق شهروندی در قوانین ایران در برخی موارد برخورد قانونی و در برخی موارد اخلاقی بوده و فاقد ضمانت اجرا می‌باشد در اعلامیه جهانی حقوق بشر اصولاً فاقد ضمانت اجرا است مگر در برخی موارد که ضمانت اجرای آن از طریق قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل و مجمع عمومی اعلام می‌شود که مضمون آن عمدتاً اعمال تحریم‌های اقتصادی و سیاسی است. مسئله دیگر این است که نقض حقوق شهروندی موجب ایجاد مسئولیت برای چه اشخاصی می‌شود با توجه به نقشی که دولت‌های امروزی در جامعه ایفاء می‌کنند آیا دولت در قبال نقض حقوق شهروندی مسئولیت دارد؟ در صورتی که پاسخ مثبت باشد مبنای مسئولیت مدنی دولت در قبال نقض حقوق شهروندی به چه صورت است؟ به نظر می‌رسد با توجه به ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی تنها اشخاص حقیقی دارای مسئولیت (مدنی و کیفری) نیستند بلکه اشخاص حقوقی نیز در قبال اعمال خود مسئولند منظور از اشخاص حقوقی نیز هم کارمند و هم سازمان دولتی را در برمی‌گیرد و هر کدام با توجه به تقصیری که مرتکب شده‌اند مسئول جبران خسارات هستند در برخی موارد جبران خسارت اولاً با شخص حقوقی است و شخص حقوقی بعد از جبران خسارت می‌تواند به کارمند مسئول مراجعه کند.

*استناددهی (APA): سرفراز، حمید، امینی، منصور. (۱۴۰۱). مسئولیت مدنی دولت در قبال نقض حقوق شهروندی و مراجع رسیدگی کننده به آن در حقوق ایران و کامن لا. تحقیقات حقوقی بین المللی، ۱۵(۵۸)، ۱۶۸ - ۱۳۹

https://alr.ctb.iau.ir/article_699573.html

۱. دانشجوی دکتری رشته حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، hameidsarfraz@gmail.com

۲. استاد گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران (نویسنده مسئول). aminimansour@yahoo.fr

مقدمه

در هر جامعه‌ای، دولت در معنای اخص (قوه مجریه) برای رسیدن به اهداف مورد نظر خویش، وظایف، ماموریت‌ها و تکالیفی را بر دوش دارد که با وسایل، ابزار و تشکیلاتی خاص، همراه با نیروی مجهز انسانی که در خدمت دارد، در جهت تحقق آن اهداف فعالیت گسترده‌ای در پیش رو دارد. این گستردگی فعالیت روزمره دولت در معنای (کل حاکمیت) و سازمان‌هایش در هر سه قوه مقننه، مجریه و قضائیه، با توجه به اینکه ابزار و وسایل گوناگونی در خدمت گرفته، نیز خطرات و خساراتی را به دنبال دارد. اصل مسلم حقوقی که هر خسارتی را جبران‌پذیر می‌داند و اعلام می‌دارد نباید هیچ زبانی بی جبران بماند، امکان طرح و اقامه دعوی مسئولیت مدنی را علیه هر شخصی، خواه حقیقی یا حقوقی و خواه وابسته به حقوق خصوصی یا عمومی، به شخص زیان دیده می‌دهد. اما از آنجا که دولت، دو نوع اقدامات تفکیک شده از یکدیگر را مرتکب می‌گردد که به عنوان عمل حاکمیت و عمل تصدی از آن یاد می‌کنند؛ این سوال پیش می‌آید که دولت و سازمان‌هایش را می‌توان همچون اشخاص معمولی و عادی، مسئول خسارات یا زیان‌هایی که ناشی از اقداماتش است، دانست؟ و در نتیجه، معتقد شد که دولت نیز باید از عهده خسارات و صدماتی که در نتیجه فعالیت او در عرصه‌های مختلف به اشخاص وارد می‌آورد برآید و مالا او را به عنوان خواننده، به دعوی مسئولیت مدنی فراخواند؟ خواه این خسارت به یکی از اتباعش باشد یا بیگانه‌ای که در اثر اقدامات یکی از قوای سه گانه یا سازمان‌ها و مامورینش خسارت و صدمه‌ای دیده است؟ یا اینکه پاسخ پرسش‌های یاد شده منفی است و نمی‌توان گفت که یک تبعه یا شهروند می‌تواند دولت متبوع خویش را خواننده دعوی مسئولیت مدنی قرار دهد؛ زیرا دولت‌ها با توجه به وجود حاکمیت خویش مبرا از مسئولیتند. بی هیچ تردید امروزه، نهاد حقوقی مسئولیت دولت، یکی از پذیرفته‌ترین نهادهای حقوقی است که کمتر کشوری را می‌توان نشان داد که به آن گردن نهاده باشد. در کشور ما نیز قانون مسئولیت مدنی (مصوب ۱۳۳۹)، در ماده ۱۱ صراحتاً به اصل جبران‌پذیری خسارات ناشی از عملکرد و اقدامات دولت (قوه مجریه) اشاره دارد و در مورد عملکرد قضات و جبران‌پذیری خسارات ناشی از اقدامات قاضی یا محکمه، اصل ۱۷۱ قانون اساسی، تصریحاتی دارد که نمی‌توان اصل مسئولیت دولت و قوای سه گانه‌اش را انکار یا مورد تردید قرار داد.

پس بنابراین مشخص شدن شرایط مسئولیت مدنی دولت در رابطه با نقض حقوق شهروندان، علاوه بر این که موجب دقت و مراقبت بیشتر آن‌ها در اجرای ماموریت‌های خود و به نوعی اصلاح رفتار می‌شود، باعث آشنایی زیان‌دیدگان از این قبیل حوادث نسبت به موارد مسئولیت می‌گردد. و امکان احقاق حقوق نامبردگان را نیز فراهم می‌سازد. مقوله شهروندی وقتی تحقق می‌یابد که همه افراد جامعه از کلیه حقوق اجتماعی، اقتصادی، مدنی و سیاسی برخوردار باشند ضمن اینکه

شناخت حقوق و تکالیف نقش موثری در ارتقاء شهروندی و ایجاد جامعه‌ای عدالت گستر خواهد داشت که این مهم با بالابردن سطح آگاهی شهروندان، آموزش‌های صحیح و در نتیجه رعایت قوانین و مقررات و برطرف کردن موانع موجود توسط مسئولین، محقق خواهد شد.

۱- مسئولیت مدنی دولت در قبال نقض حقوق شهروندی

در مبحث اول به بررسی مسئولیت مدنی دولت در قبال نقض حقوق شهروندی در سه گفتار خواهیم پرداخت که در گفتار اول حقوق مدنی و سیاسی و در گفتار دوم حقوق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و در گفتار سوم به بررسی آزادی‌های عمومی می‌پردازیم البته ناگفته نماند که هر یک از این مولفه‌ها خود زیرشاخه‌هایی دارند که برای جلوگیری از اختلاط مباحث به صورت جداگانه مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۱-۱- مسئولیت مدنی دولت در قبال نقض حقوق مدنی و سیاسی شهروندان در

حقوق ایران و کامن لا

در اینجا به بررسی مسئولیت مدنی دولت در قبال نقض حقوق شهروندان در چهار گفتار جداگانه خواهیم پرداخت در گفتار اول به مسئولیت مدنی دولت در قبال نقض حریم خصوصی شهروندان می‌پردازیم تا ببینیم در صورت نقض حریم خصوصی توسط دولت و ورود ضرر به اشخاص می‌توان دولت را مسئول شناخته و جبران خسارت را از دولت یا سازمان‌های دولتی که اعمال حاکمیت می‌کنند را با مراجعه با مراجع خاصی درخواست کرد.

در گفتار دوم نیز مسئولیت دولت در قبال نقض حق امنیت شخص افراد مورد بررسی قرار خواهد گرفت همان طور که در مباحث قبل نیز متذکر شدیم افراد در جامعه حق برخورداری از امنیت شخصی را در پرتو قانون دارند بنابراین دولت‌ها موظفند امنیت اشخاص را در جامعه تامین کنند حال به هر دلیلی اگر دولت‌ها نتوانند این امر را به خوبی انجام دهند و خسارتی به اشخاص وارد شود، امکان جبران خسارت توسط دولت پیش‌بینی شده است؟

در گفتار سوم نیز به بررسی مسئولیت دولت در قبال حق حیات افراد جامعه خواهیم پرداخت در هر جامعه مدنی همه افراد آن حق برخورداری از حیات را دارند از طرفی وجود برخی مجازات‌ها نیز در جامعه الزامی می‌باشد دولت‌ها موظفند به حق حیات افراد احترام گذاشته و جزء در مواردی که طبق قانون اجرای برخی مجازات‌ها الزامی است حق تعرض به حیات افراد جامعه ندارند بنابراین در این گفتار به بررسی مسئولیت مدنی دولت در مواردی که حق حیات افراد را خدشه دار می‌کند خواهیم پرداخت.

در گفتار چهارم به بررسی مسئولیت مدنی دولت در قبال شکنجه افراد خواهیم پرداخت شکنجه ابزاری است که دولت‌ها (حاکمیت) از دیرباز برای گرفتن اقرار از متهمان صورت می‌گرفته است

و مواردی زیادی وجود دارد که بعد از شکنجه افراد معلوم شده است که شخص متهم بیگناه بوده است گذشته از این موارد اقدام به شکنجه افراد برای گرفتن اقرار، غیرقانونی است بنابراین در این گفتار به بررسی مسئولیت مدنی دولت در قبال شکنجه افراد و ورود ضرر از طریق این شکنجه‌ها به اشخاص خواهیم پرداخت. با توجه به مطالبی که بیان شد در این مبحث به بررسی مسئولیت مدنی دولت در قبال نقض حقوق مدنی و سیاسی شهروندان در چهار گفتار خواهیم پرداخت.

۱-۱-۱- مسئولیت مدنی دولت در قبال نقض حریم خصوصی در حقوق ایران

و کامن لا

حریم خصوصی در ایران و بریتانیا به صورت مشخص و معین، حمایت نشده است. البته در بریتانیا پیشینه این حق بعنوان یکی از حقوق مدنی بازتابی از حقوق بشر مصوب ۱۹۹۸، برگرفته از قانون کنوانسیون اتحادیه اروپایی حقوق بشر است. (مسجدی، ۱۳۹۳، ص ۱۱) و اینگونه است که تعریف رضایت بخش و مطلوبی از حریم خصوصی وجود ندارد و بطبع آن قانون مستقلاً و مجزاً در قوانین عمومی بریتانیا هم وجود ندارد ولی در عمل با مجموعه‌ای از قوانین که در بریتانیا که با کنوانسیون اتحادیه اروپایی ترکیب شده است خلاء قانونی مربوط به حریم خصوصی سامان بخشیده شده است.

ولی در ایران برخلاف قوانین اساسی کشورها، متن خاصی وجود ندارد که از حریم خصوصی به این عنوان حمایت کرده باشد ولی این مفهوم در چند اصل مهم قانون اساسی در مورد: جان، مال، مسکن، محل اقامت، شکنجه، نشریات و مطبوعات و ... به وضوح اما ناکافی مشاهده می‌شود. (نبی زاده، ۱۳۹۳، ۵۲-۵۳).

هر چند در نظام جمهوری اسلامی حق حریم خصوصی به صورت یک حق مشخص و معین حمایت نشده است و در واقع، موضوع حقوق موضوعه ایران در مواجهه با حریم خصوصی، تحویل گرایانه است یعنی از ماهیت و محتوای حریم خصوصی حمایت شده بدون آنکه نامی از آن برده شود، حریم خصوصی در قالب احاله به و آزادی‌های دیگر نظیر حق مالکیت، حق آزادی از تجسس، حق برخورداری از اصل برائت، حق غیرقابل تعرض بودن حقوق وابسته به شخصیت مورد حمایت واقع شده است (انصاری، ۱۳۸۳، ۱۳)

در حقوق کامن لا نیز با وجود این که حریم خصوصی یک حق مشخص و معین نیست ولی با این وجود حمایت‌هایی از آن در قوانین کشورهای که حقوق کامن لا بر آن حاکم است دیده می‌شود سوابق موجود در نظام حقوقی این کشورها بیانگر آن است که دادگاه‌ها در بعضی موارد مجازات‌ها و یا جبران خساراتی را برای نقض حریم خصوصی در نظر گرفته‌اند. اما تضمین صریح ناشی از قانون اساسی برای حق حریم خصوصی وجود ندارد و این حق به نحو مشخص در نظام حقوقی این کشور از اعتباری واحد و روشن برخوردار نیست کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و

آزادی‌های اساسی نیز در حقوق برخی کشورها از جمله بریتانیا اعمال نشده است. (35, Adams, 2006).

در حقوق بریتانیا با وجود اینکه حق حریم خصوصی به شکل عمومی به رسمیت شناخته نشده است، برای حمایت مدنی، دادگاه‌ها با استفاده از قواعدی که برای اهداف دیگری تأسیس شده‌اند، برخی تجاوزهای رسانه‌ها به این حریم را محکوم و در آرای صادره مجازات‌هایی تعیین کرده‌اند، در مواردی مانند افترا، نقض اقامتگاه و افشای اسرار که تجاوز، موجب مسوولیت مدنی فاعل آن می‌شود، به زیان‌دیده حق مطالبه خسارت داده می‌شود. (12, Markesinis, 2013)

از طرفی رسانه یکی از موفق‌ترین ابزارهای مبارزه با فساد و حق‌طلبی در جهان است برای اینکه صدای ضعفا به مسئولان، به ویژه در قوه قضائیه برسد رسانه با عملکردی صحیح بهترین نقش را می‌تواند ایفا کند مطابق شاخص جهانی فساد سال ۲۰۱۰ مردم در جلوگیری از فساد و افشای آن، بیشترین اعتماد را به رسانه‌ها دارند در این میان ممکن است سوءاستفاده از آزادی بیان و یا اشتباه در نحوه به کارگیری این حق توسط رسانه، کارکرد چنین ابزار مفیدی را مختل و یا منجر به بی‌اعتمادی دولت‌ها به رسانه، به ویژه برای دخالت این نهاد در مقابله با فساد در دستگاه قضایی شود. (جاوید، ۹۶، ص ۲۶)

در مورد حمایت کیفری از حریم خصوصی می‌توان گفت در حال حاضر در حقوق کامن لا هیچ جرم کیفری عمومی علیه حریم خصوصی وجود ندارد. اما چنانچه افترا موجب صدمه بسیار شدید به اعتبار شخص شود، جرم کیفری محسوب می‌شود. از سوی دیگر قانون حمایت در مقابل اذیت و آزار، جرم کیفری جدیدی را تأسیس کرده و مرتکب را به جریمه نقدی یا حبس تا ۶ ماه محکوم کرده است. (7, Louis- & Alon, 1970).

۱-۱-۲- مسوولیت مدنی دولت در قبال نقض حق امنیت شخصی در حقوق

ایران و کامن لا

از تعهدات اولیه دولت‌ها در معنای حاکمیت که معیار قضاوت درباره حکومت نیز هست توانایی در برقراری امنیت و عدالت در جامعه است. (جاوید، ۱۳۹۶، ص ۲۷) حق امنیت شخصی، بعنوان یکی از حق‌هایی است که در اسناد حقوقی هر کشوری، والاترین جایگاه رو به خود اختصاص داده است.

اگرچه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به صراحت از حق امنیت شخصی سخن به میان نیامده است، اما سعی کرده است همه متعلقات این حق را طرح و در نهایت با شناسایی این حق بعنوان یک حق اساسی، ضمانت اجرای مناسب را، در عرصه قانونگذاری و هم در عرصه اجرا برای آن مقرر کند.

در نهایت اینگونه بنظر می‌رسد که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصلی در مورد حق امنیت شخصی که بطور مجزا در این مورد باشد وجود ندارد و این حق را در اصول دیگر و در پروسه عدالت آورده است، از آنجایی که این حق در ایران در ذیل عنوان امنیت قضایی، که در برابر تعرض ذکر شده قرار دارد و از بین این اصول، فقط دو اصل (اصل سی و نهم و اصل سی و هشتم) وجود دارد که بیشتر و به طور عینی با امنیت شخصی در ایران با افراد در ارتباط است. امنیت قضایی بعد از امنیت بین‌المللی و ملی در جایگاه مهمترین نیازهای مدنی شهروندان یک جامعه جای دارد مراد از امنیت قضایی، وضعیت حقوقی منبعث از حاکمیت قانون است که طی آن حیثیت، جان و مال و کلیه امور مادی و معنوی شهروندان در حمایت قانون اساسی کشور و در صیانت دستگاه قضایی حکومت قرار دارد. (جاوید، ۱۳۹۶، ص ۳۰) مطابق بند (۱۴) اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، دولت در معنای حاکمیت موظف به تامین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون است. ولی در بریتانیا در قانون حقوق بشر مصوب ۱۹۹۸ در بند پنجم این قانون به طور کامل و به وضوح به این حق پرداخته است و اینگونه می‌توان بیان کرد که در بریتانیا به این حق تاکید اساسی داشته‌اند و مورد نظر قانونگذار بوده است. (معین آبادی، ۲۸۱، ۱۳۸۳).

اما در نظام حقوقی کامن‌لا نیز مانند حقوق ایران حق کلی بنام حق حریم خصوصی به رسمیت شناخته نشده است. البته در مورد امنیت شخصی در کشور انگلستان در بند پنجم قانون حقوق بشر مصوب ۱۹۹۸ به آن پرداخته است. شخصی که به حریم خصوصی او تجاوز شده است باید اثبات کند که فعل شخص متجاوز یک خطای شناخته شده است و بر مبنای آن خطا می‌تواند اقدام به طرح دعوی کند. خطاهای شناخته شده در بریتانیا که با حمایت از امنیت شخصی ارتباط دارند، عبارتند از ورود غیر مجاز به ملک غیره مزاحمت‌های خصوصی، افشای راز، نقض حقوق مؤلف، نقض قرار داد، ایجاد عمدی ناراحتی‌های عاطفی و عصبی.

۱-۳- مسئولیت مدنی دولت در قبال نقض حق حیات در حقوق ایران و

کامن‌لا

حق حیات در ایران با توجه به قوانین اسلامی کاملاً به نفع اجتماع می‌باشد. اگر در ایران مجازات‌های سلبی وجود دارد، اما اصل در حق حیات برای افراد مقرر است. از طرفی اعدام و یا قصاص‌هایی که در حکومت قوانین مختلف در ایران وجود دارد خود احیاگر حیات برای جامعه می‌باشد. تا این منظومه ایران و بریتانیا کاملاً قوانینی مطابق با هم داشته و هر دو در یک حدود این قوانین را جاری می‌نماید. هر دو اعدام و با برخوردهای واکنشی خشن در خصوص جامعه و برای احیای نظم و امنیت دارند. اما اگر بیشتر دقت نماییم قوانینی در بریتانیا حاکم است که خود نوعی طرفداری از خشونت منجر به مرگ و نقض حق حیات نه تنها برای شهروندان که برای مردم دیگر



جهان می‌باشد. طرفداری و حمایت از رژیم صهیونیستی کودک کش، حمایت از رژیم آل خلیفه، حمایت از رژیم عربستان سعودی و حمایت از تروریست‌ها در سوریه، از جمله اندیشه‌هایی است که در راستای نقض حق حیات جاری می‌گردد. (Kevin & Bales, 1999, 9)

در خصوص حق حیات در کامن لا می‌بایست بیان نمود؛ خشونت و سرکوب افراد توسط پلیس در برخی از کشورهایی که حقوق کامن لا بر آن حاکم است نظیر انگلیس، نیازی به بازگویی ندارد. ضرب و شتم افراد با باتوم، گاز اشک‌آور و سلاح‌های شوک الکتریکی خطرناک علیه افراد ناتوان، تیراندازی مستقیم به افراد و ضرب و شتم شدید افراد در بازداشتگاه از آن جمله می‌باشد. بسیاری از افسران پلیس از محاکمه در خصوص اعمال خشونت‌های غیرقانونی، مصون هستند. همه این موارد حاکی از آن است که قوانین در مواردی مورد بی‌اعتنایی قرار می‌گیرند و به آن‌ها توجهی نمی‌شود به نظر می‌رسد در حقوق این کشورها مسئولیت مدنی نیز در این موارد وجود نداشته باشد زیرا مسئولیت مدنی در مواردی قابل تصور است که ورود خسارت قابل انتساب به شخص مسئول باشد و وقتی که در بسیاری از موارد پلیس توسط قوانین این کشورها بیگناه شناخته می‌شود به طریق اولی مسئولیت مدنی نیز نمی‌توان برای آن‌ها یا اداره دولتی که آن‌ها زیر نظر آن مشغول به کار هستند در نظر گرفت (Curtis, 2006, 107-108)

در حقوق ما طبق حکم ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی چنانچه خسارت مستند به فعل کارمند باشد باید شخصاً جبران خسارت کند. برخلاف همه نظریه‌های فوق مسئولیت ناشی از فعل غیر برای دولت (حاکمیت) مورد پذیرش واقع نشده است. مگر اینکه ماده ۱۱ را اینطور تفسیر کنیم که نقص وسائل و تشکیلات دولت در نهایت به خطای اداری کارمند باز می‌گردد و در اینصورت دولت را مسئول جبران خسارت بدانیم. (کاتوزیان، ۱۳۷۴، ش ۱۲۸) که در این فرض حق مراجعه به کارمند خاطی را ندارد در صورتی که دولت به عنوان کارفرما فرض شود طبق ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی تنها در صورتی که زیان ناشی از خطای شخص کارمند باشد حق مراجعه به وی را خواهد داشت. همچنین به موجب اصل ۱۷۱ قانون اساسی هرگاه در اثر خطای اداری قاضی زبانی به اشخاص وارد آورد، جبران خسارت به عهده دولت (حاکمیت) است و پس از جبران خسارت دولت حق رجوع به قاضی را ندارد. (جلیلوند، ۱۳۷۳، ص ۱۰۰)

۱-۱-۴- مسئولیت مدنی دولت در قبال نقض منع شکنجه در حقوق ایران و

کامن لا

همان‌طور که بیان شد شکنجه ابزاری خشن بوده که در مکتب همه حکومت‌ها وجود داشته است. لذا در این زمان و رشد عقلی بشر و تمسک به شان انسانی وی حکومت‌ها از این ابزارها کمتر استفاده می‌گردد. چرا بیان می‌شود کمتر، چون هنوز حکومت‌های خود کامه‌ای وجود دارد که برای احیای خود ناگزیر از شکنجه و استفاده از زور و باتوم می‌باشند. (رحیمی نژاد، ۱۸۱،

۱۳۸۷) از طرفی حق حیات نیز به تبع تولد برای هر شخص به وجود می‌آید. در حال حاضر قوانین ایران و بریتانیا در منع شکنجه و باز شناسایی حق حیات تلاش‌هایی در قوانین اساسی و عادی خود داشته‌اند. در هر دو سیستم این قوانین با ضمانت اجرای دینی و عرفی سدی در راه اعمال آن توسط دولت‌های (حاکمیت) خود کامه و دیکتاتور است.

در حقوق کامن لا از جمله بریتانیا به مدت چندین قرن استفاده از شکنجه مرسوم و متعارف بوده است اما می‌توان این کشور را از پیشگامان لغو شکنجه هم در حوزه قضایی هم قانونی دانست. برای صدور حکم منع شکنجه از پرونده قتلون در ۱۹۶۰ به اوج رسید تا ۱۹۶۰ پارلمان این عمل به طور رسمی لغو شد. در اسکاتلند نیز، شکنجه توسط بخش و قانون خیانت ۱۷۰۸ ممنوع شد.

علاوه بر قوانین حاکم بر کامن لا که در نظام حقوقی بریتانیا حاکم بود، بخش ۱۳۴ قانون عدالت کیفری ۱۹۸۸ آن را یک جرم برای هر مقام دولتی در معنای حاکمیت که به عمد درد شدید یا درد و رنج را به دیگری تحمیل نماید درج نموده است. این الزام در حقوق بریتانیا به موجب کنوانسیون ۱۹۴۸ منع شکنجه سازمان ملل متحد رفتارهای خشن، غیر انسانی یا اهانت‌آمیز به مجرمین را مجازات معرفی کرد. (Ghali, 30, 1995)

در نظام جمهوری اسلامی ایران علیرغم ممنوعیت شکنجه و اعتقاد به حرمت و عدم جواز آن در اصل ۳۸ امکان تمسک بالقوه به عنوان تعزیر شرعی در مواردی چون اقتضای مصلحت نظام و حفظ آن برای گرفتن اطلاعات احتمالی از متهم یا برای شکستن مقاومت وی و وادار کردن او به همکاری با قاضی و حاکم شرع وجود دارد. (رحیمی نژاد، ۱۸۲، ۱۳۸۷)

اما در حقوق کامن لا درباره منع شکنجه صراحت دارد و در هر وضعی بکارگیری شکنجه را مردود می‌داند. دلایلی نظیر تهدید امنیت داخلی، تهاجم خارجی، تروریسم و یا مصلحت نظام به هیچ وجه اعمال شکنجه و یا رفتارهای خشن موهن را توجیه نمی‌کند. قاعده منع شکنجه قاعده‌ای است جهانی و در هر زمان و در هر شرایط اطلاق دارد ولی در مورد ضمانت اجرای آن صحبتی به میان نیامده است و در واقع این موضوع مغفول مانده است که اگر ماموران یا کارمندان ادارات دولتی (قوای سه گانه) و همچنین از تصمیمات سازمان‌های دولتی (حاکمیت) شخصی متضرر گردد آیا می‌تواند از باب مسئولیت مدنی جبران خسارت خود را از دادگاه‌های درخواست کند؟ در حقوق ایران نیز به نظر می‌رسد می‌توان به این موضوع استناد کرد و از آنجا که اصل شکنجه در حقوق ایران منع قانونی دارد بنابراین در صورت ورود خسارت از طریق شکنجه، به نظر می‌رسد شخص متضرر بتواند از باب مسئولیت مدنی جبران خسارت را درخواست کند البته اینکه بتوان از دولت در معنای حاکمیت این خسارت را گرفت به نظر می‌رسد که امکان نداشته باشد زیرا طبق قوانین حکومتی شکنجه در ایران ممنوع است و شخصی که اقدام به شکنجه می‌کند خود او مسئول است البته در این صورت به نظر می‌رسد که ابتدا اداره دولتی (سازمان‌های حاکمیت) جبران

خسارت را انجام می‌دهد و پس از جبران خسارت توسط اداره دولتی (حاکمیت)، اداره مذکور می‌تواند به مسبب حادثه رجوع کند. (غمامی، ۱۳۷۶، ص ۱۲۲)

۱-۲- مسئولیت مدنی دولت در قبال نقض حقوق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در حقوق ایران و کامن لا

در این مبحث به بررسی مسئولیت مدنی دولت در معنای کلیت حاکمیت در قبال نقض حقوق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در حقوق ایران و کامن لا خواهم پرداخت این مبحث از چهار گفتار تشکیل شده است در گفتار اول به بررسی مسئولیت مدنی دولت (قوه مجریه) در قبال نقض حق برخورداری از آموزش و پرورش خواهم پرداخت از آنجا فقدان فضای شایسته‌ی مدارس، فقدان شادابی، نبود فضای بازی در مدارس، نگرانی‌های اقتصادی معلمان، ضعف فرهنگی عمومی، حواس پرتی دانش‌آموزان، طراحی نامناسب محیط‌های آموزشی، اشکال در روش‌های تدریس و عدم اعزام فرزندان مؤنث به مدارس مناطق روستایی و ناکافی بودن حضور معلمان در مدارس برای تدریس از جمله ضعف‌هایی هستند که فرآیند آموزش را دچار اختلال می‌کنند شایسته است در صورت ورود خسارت به افرادی که از تحصیل باز می‌مانند توسط دولت راهکاری اندیشیده شود در بسیاری از مناطق دولت به تعهدات خود در زمینه توسعه آموزش و پرورش عمل نمی‌کند و بسیاری از افراد جامعه از تحصیل باز می‌مانند در این گفتار به بررسی مسئولیت مدنی دولت در قبال نقض حقوق شهروندان در برخورداری از آموزش و پرورش خواهم پرداخت.

در گفتار دوم به بررسی مسئولیت مدنی دولت در قبال نقض حق برخورداری افراد جامعه از تامین اجتماعی خواهم پرداخت، حق برخورداری از تامین اجتماعی و حق رفاهی؛ حقوقی هستند همگانی، که دولت (قوه مجریه) موظف است طبق قوانین، از محل درآمدهای عمومی و درآمد حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای تک تک افراد کشور تامین کند و برای دولت (حاکمیت) ایجاد تکلیف می‌کند تا از طریق سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری جامع، منبع مالی پایداری را برای افراد جامعه تأسیس و زمینه استقرار عدالت اجتماعی را فراهم نماید با این وجود در بسیاری از موارد این حق برای افراد جامعه تحقق پیدا نمی‌کند و گستره نقض این وظیفه نیز از محلی به محل دیگر متفاوت است بنابراین در گفتار دوم نیز به بررسی مسئولیت مدنی دولت در قبال نقض حق برخورداری از تامین اجتماعی خواهم پرداخت.

در گفتار سوم نیز به بررسی مسئولیت مدنی دولت (حاکمیت) در قبال نقض حق آزادی کار اشخاص خواهم پرداخت اشتغال و انتخاب آزادانه شغل و شرایط اشتغال حق هر فرد ایرانی است، اما در قوانین مختلف استثناهایی در خصوص آن وجود دارد. بنابراین این حق نیز مطلق باقی نمانده است که این نیز از خصوصیات زندگی اجتماعی و لوازم زندگی در اجتماع است با این وجود در برخی موارد جلوگیری از حق اشتغال آزادانه افراد به صورت غیرقانونی توسط دولت‌ها و نهادها

دولتی انجام می‌گیرد که در این موارد نیز در صورت ورود خسارت به اشخاص به جهت جلوگیری از این حق به نظر می‌رسد بتوان دولت (حاکمیت) را مسئول جبران خسارت دانست بنابراین در این گفتار نیز به بررسی مسئولیت مدنی دولت در قبال نقض حق برخورداری از آزادی در کار اشخاص خواهیم پرداخت.

در گفتار چهارم به بررسی مسئولیت مدنی دولت (قوه مجریه) در قبال نقض حق برخورداری از مسکن خواهیم پرداخت امنیت مالکیت شامل حقوق قانونی مالکان بر مسکن خود و نیز رعایت حقوق مستاجرین است. خدمات و تسهیلات زیربنایی شامل برخورداری از آب و فاضلاب بهداشتی و سالم، برق، راه و دسترسی به خدمات اجتماعی، آموزشی و بهداشتی است. چنین مسکنی باید در دسترس همه گروه‌های درآمدی باشد و برای آنان که استطاعت مالی کافی ندارند، حمایت‌های لازم و وظیفه دولت‌ها است حال این سوال پیش می‌آید که در صورت عدم حمایت دولت در این زمینه‌ها می‌توان دولت را اجبار به این کار کرد و در صورتی که از این عدم رعایت ضرری به اشخاص وارد آید جبران ضرر و زیان افراد به عهده دولت است؟ دولت در قبال نقض حق برخورداری از مسکن توسط اقساط مختلف جامعه مسئولیت مدنی دارد؟ در این گفتار به بررسی مسئولیت مدنی دولت در موارد مذکور خواهیم پرداخت.

با توجه به مطالبی که بیان شد در این مبحث به بررسی مسئولیت مدنی دولت در قبال نقض حقوق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شهروندان در چهار گفتار خواهیم پرداخت.

۱-۲-۱- مسئولیت مدنی دولت در قبال نقض حق برخورداری از آموزش و

پرورش در حقوق ایران و کامن لا

در آسیب‌شناسی آموزش عمومی حقوق ایران بایستی ذکر عللی پرداخت که رفع آن، فضای عمومی آموزش و پرورش را زیر و رو می‌کند: فقدان فضای شایسته‌ی مدارس، فقدان شادابی، نبود فضای بازی در مدارس، نگرانی‌های اقتصادی معلمان، ضعف فرهنگی عمومی، حواس پرتی دانش‌آموزان، طراحی نامناسب محیط‌های آموزشی، اشکال در روش‌های تدریس و عدم اعزام فرزندان مؤنث به مدارس مناطق روستایی و ناکافی بودن حضور معلمان در مدارس برای تدریس از جمله ضعف‌هایی هستند که فرآیند آموزش را دچار اختلال می‌کنند. حل چنین معضلاتی به راه کارهای اساسی نیاز دارد که می‌تواند در این راستا از نظام آموزشی بریتانیا بهره گرفت. چرا که با نظام آموزشی بریتانیا علاوه بر این، کلیه نهادها و مراکز ارائه دهنده خدمات اجتماعی بریتانیا از مرکز آموزشی پیش دبستانی برخوردار می‌باشند که کودکان زیر ۵ سال را تحت پوشش قرار می‌دهند. عمده خدمات آموزش پیش دبستانی در کشور انگلستان از سوی ادارات خدمات اجتماعی با اختیارات محلی ارائه می‌گردد. (Skills, 6, 2006)

یکی از وظایف اساسی دولت (قوه مجریه) با توجه به بند سه اصل سوم قانون اساسی این قرار گرفته که آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان را برای همه در تمام سطوح مهیا سازد و آموزش عالی را تسهیل و تعمیم نماید به کارگیری عبارت «برای همه» در بند سه اصل سوم «برای همه ملت» در اصل سی‌ام، ذهن را به این سو متمایل می‌کند که قانون اساسی به حق برخورداری از آموزش و پرورش برای همه اتباع کشور معتقد است و تبعیض در میان اتباع کشور را روا نمی‌دارد. (مهر پور، ۱۳۷۸، ۷۳) اما درباره مسئولیت مدنی دولت در قبال نقض حق برخورداری از آموزش و پرورش در قوانین ایران صحبتی به میان نیامده است به نظر می‌رسد احراز رابطه سببیت و همچنین اثبات تقصیر دولت در این موارد بسیار مشکل باشد.

در حقوق کامن لا در بحث حق برخورداری از آموزش و پرورش، مطابق قوانین بریتانیا کلیه دانش‌آموزان ملزم به برخورداری از برنامه‌های آموزشی متناسب با سن، توانایی‌ها و استعدادها و تحصیلی خود می‌باشند. طرح آموزش ملی و طرح آموزش تحقیقاتی آموزش تخصصی و تحقیقاتی علوم، فنون و هنر، از پاییز سال ۱۹۸۹ در نظام آموزشی بریتانیا به اجرا درآمد. دوایر محلی آموزش و پرورش، هیئت مدیره و معلمین ارشد مدارس خصوصی مسئولیت طراحی و ارائه برنامه‌های آموزشی اعم از برنامه‌های آموزشی ملی و آموزش علوم مذهبی را بر عهده دارند. (قاسمی، ۱۳۵۲، ۳۶۴)

این کشور بر آن بوده است که آموزش و پرورش در جهت ساختن اجتماع تازه‌ای مطابق با جامعه صنعتی جدیدی که طرح آن پس از انقلاب صنعتی در این کشور مطرح گردید، متحول شود و می‌توان اذعان نمود آموزش و پرورش در کار بازسازی و همچنین در دگرگونی جامعه انگلیس طی قرون گذشته نقش مهمی داشته است و از آن می‌توان به عنوان میراث گرانبهای که از نسلی به نسل دیگر رسیده و هر نسلی در حفظ و توسعه آن مسئولانه عمل کرده است نام برد. برخلاف بسیاری از ملت‌ها، پیشرفت و تکامل نظام آموزش و پرورش در بریتانیا در بستری از صلح و آرامش صورت گرفته است، زیرا اعتقاد مردم در بریتانیا بر آن است که کارهای بزرگ به یادماندنی بایستی در شرایط آرام و با بهره‌گیری از اندیشه و به گونه منطقی و سنجیده و دور از بلند پروازی‌های ناپخته صورت پذیرد. (DCSF, 2007, 15).

۱-۲-۲- مسئولیت مدنی دولت در قبال نقض حق برخورداری از تأمین

اجتماعی در حقوق ایران و کامن لا

حق برخورداری از تأمین اجتماعی و حق رفاهی حقوقی هستند همگانی، که دولت (قوه مجریه) موظف است طبق قوانین، از محل درآمدهای عمومی و درآمد حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای تک تک افراد کشور تأمین کند و برای دولت (حاکمیت) ایجاد تکلیف می‌کند تا از طریق سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری جامع، منبع مالی

پایداری را برای افراد جامعه تأسیس و زمینه استقرار عدالت اجتماعی را فراهم نماید. تعهد دولت (حاکمیت) در قبال این حقوق منجر به برقراری نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی گردید. (ایده و دیگران، ۲۱۷، ۱۳۸۹). اما در بریتانیا براساس وضعیت مالی افراد تخفیف‌هایی در نظر گرفته می‌شود. طرح تأمین اجتماعی، مزایای فراوانی را در اختیار صاحبشان قرار می‌دهد. از جمله مراقبت‌های درمانی حق عائله مندی، کمک هزینه‌های بیماری و بیکاری و حقوق بازنشستگی را در بر می‌گیرد. و یا همانطور که ذکر شد در بریتانیا دادگاه‌ها تشکیلات اداری خاصی برای رسیدگی به دعاوی مربوط به مزایا و حمایت‌های مشارکتی و غیر مشارکتی و مزایای مبتنی بر نیاز تأسیس شده است. (بناتریس ماینوی، ۱۳۸۰، ۲۰)

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، حقوق رفاهی به صورت حق‌های قوی شناخته شده است و اصول متعددی از قانون اساسی و قوانین عادی جمهوری اسلامی ایران و مواد اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی حق مزبور را به رسمیت شناخته و دولت (حاکمیت) را موظف نموده که تمهیدات و تضمینات لازم را جهت برخورداری افراد جامعه از حق مزبور ببیند. (شریفیان، ۱۳۸۰، ۴۲۳)

یکی از راهکارهای مؤثر در تسریع جبران خسارت توسط دولت (حاکمیت) نیز بیمه اعمال زیانبار کارکنان خود می‌باشد. بیمه مسئولیت با پیوند عمیقی که با مسئولیت مدنی برقرار کرده باعث ایجاد تغییرات گسترده‌ای در نظام مسئولیت مدنی شده است که به گونهای غیرمستقیم جمعی شدن خطرها و تقسیم تکالیف ناشی از مسئولیت مدنی در بین تعداد زیادی از افراد جامعه را در پی داشته است. (بابایی، ۱۳۸۰، ص ۵۱)

امروزه در اکثر کشورهای پیشرفته دولت هادرمعنای کلیت حاکمیت تمام یا بخشی از مسئولیت‌های مدنی خود را نزد یکی از مؤسسات بیمه می‌نماید و همچنین در بعضی موارد اعمال این شیوه اجباری است و مؤسسات موظفند این گونه اعمال را نزد یکی از مؤسسات بیمه نمایند. (غمامی، ۱۳۸۷، ص ۱۲۳)

در حقوق کامن‌لا در حد وسیعی افراد جامعه اعم از شاغلین، کارگران و کارفرمایان و غیر شاغلین، بیوگان، زنان خانه‌دار و معلولین، تحت پوشش قرار می‌گیرند. لازم به ذکر است که امروزه در کشورهای نظیر بریتانیا برنامه‌های تأمین اجتماعی شامل همه آحاد جامعه است و صرف نظر از یک مستمری نسبتاً کم که به همگان تعلق می‌گیرد در هر مورد خاص نیز مزایایی دیگر به افراد تعلق می‌گیرد. حتی ممکن است شخص به جهت تطبیق وضعیت بتواند از چندین مزایا بهره بگیرد مانند معلولین و سالمند و یا اشخاص دارای نقص عضو که به تحصیل ادامه می‌دهند یا شغل نیمه وقت دارند یا کسانی که هم نقص عضو دارند و هم سرپرستی اطفال را بر عهده دارند.



در بریتانیا این نکته را باید خاطر نشان کرد که اصل الزام قانونی دولت (حاکمیت) در برآوردن نیازهای رفاهی مردم، پذیرفته شده است و نسبت به آن کمتر ابزار تردید می‌شود. در کشورهای پیشرفته مثل بریتانیا، دادگاه‌ها و هیئت‌های تخصصی برای رسیدگی به دعاوی تأمین اجتماعی وجود دارد. دادگاه‌ها و تشکیلات اداری خاصی برای رسیدگی به دعاوی مربوط به مزایا و حمایت‌های مشارکتی و غیرمشارکتی و مزایای مبتنی بر نیاز تأسیس شده است، از این رو نقص بزرگی در نظام دادرسی تأمین اجتماعی ایران مشاهده می‌شود که مرجع تخصصی برای رسیدگی به دعاوی تأمین اجتماعی وجود ندارد. (The National Autistic Society, 2005, 5)

۲-۳- مسئولیت مدنی دولت در قبال نقض حق آزادی کار در حقوق ایران

و کامن لا

اشتغال و انتخاب آزادانه شغل و شرایط اشتغال حق هر فرد ایرانی است، اما در قوانین مختلف استثناهایی در خصوص آن وجود دارد. بنابراین این حق نیز مطلق باقی نمانده است. اما تا وقتی که این ممنوعیت‌ها به صورت خاص و موردی باشد و به موجب قانون به وجود آمده باشد، حق اشتغال را زیر سؤال نخواهد برد. توضیح دیگر در خصوص نظام حقوقی بریتانیا اینکه، مقررات ناظر بر حقوق کار در بخش خصوصی و کارمندان در بخش عمومی تفاوت ماهوی ندارد و این امر ناشی از رویکرد کلی این نظام است که هر دو موضوع حقوق ناظر بر کار در بخش خصوصی و عمومی را تابع مقررات یکسانی می‌داند که کشور ایران بایستی این امور را به عنوان راهکار پذیرا باشد. همچنین تمام دولت‌های دنیا در معنای کلیت حاکم علی‌الخصوص کشور ما با این چالش مواجه می‌باشند که تعادل ضعیفی میان حمایت از نیروی کار و انعطاف‌پذیری بازار نیروی کار برقرار است. که این امر فقط با بررسی و تحلیل در قوانین کشورهای پیشرفته همچون بریتانیا قابل انجام می‌باشد.

آزادی کار و شغل، شالوده‌ی اساسی نظام جمهوری اسلامی ایران است و نمی‌توان هیچکس را به داشتن شغل و پیشه معین مجبور نمود و از شغل و پیشه‌ای که دل خواه او است بازداشت و یا از تغییر و تبدیل و یا ترک و تعطیل آن جلوگیری به عمل آورد. قانون کار، ضمن اشاره موکد بر اصول قانون اساسی در مورد منع اجبار افراد به کار معین و بهره‌کشی از دیگری و حق انتخاب شغل، در ماده‌ی ۱۷۲ نیز با اشاره به اینکه «کار اجباری با توجه به ماده‌ی ۶ این قانون ممنوع است» البته این ممنوعیت، همانگونه که در موازین بین‌المللی یاد شده و در بالا نیز اشاره شده، مطلق نیست. (هاشمی، ۱۳۹۱، ۴۷۸)

یگانگی مراجع قضایی در نظام دادگستری بریتانیا نیز نشأت گرفته از این واقعیت است که تا حد ممکن تمامی موضوعات تابع حقوق یکسانی باشند و در مرحله قضاوت نیز به وسیله مراجع واحدی مورد بررسی قضائی واقع شوند. نتیجه آن که، هر آنچه در خصوص حق اعتصاب

کارگران در بخش خصوصی این کشور صادق است، در مورد کارمندان بخش عمومی هم مجری است. (European Foundation for the Improvement of Living and Working Condition, 15-16)

در نظام حقوقی بریتانیا اقدام به اعتصاب و هر نوع اقدام دسته جمعی دیگر، جرم‌انگاری شده بود. در سال ۱۷۹۹، به منظور جلوگیری از اقدامات کارکنان، تشکیل هر گونه اتحادیه، غیرقانونی اعلام شد و با اعتصاب، به عنوان عامل بر هم زنده نظم عمومی، برخورد کیفری صورت گرفت. این جریان تا سال ۱۸۷۵ میلادی ادامه یافت. (عراقی، ۱۳۸۷، ۵۷)

۱-۲-۴- مسئولیت مدنی دولت در قبال نقض حق مسکن در حقوق ایران و

کامن لا

امنیت مالکیت شامل حقوق قانونی مالکان بر مسکن خود و نیز رعایت حقوق مستاجرین است. خدمات و تسهیلات زیربنایی شامل برخورداری از آب و فاضلاب بهداشتی و سالم، برق، راه و دسترسی به خدمات اجتماعی، آموزشی و بهداشتی است. چنین مسکنی باید در دسترس همه گروه‌های درآمدی باشد و برای آنان که استطاعت مالی کافی ندارند، حمایت‌های لازم وظیفه دولت‌ها در معنای کل حاکمیت و قوای سه‌گانه است. «حقوق بشر، جهانی، تجزیه‌ناپذیر، و به هم پیوسته‌اند. وظیفه همه دولت‌ها، صرف‌نظر از نظام سیاسی، اقتصادی و فرهنگی آن‌ها، حفظ و ارتقاء حقوق بشر و آزادی‌های اساسی است. (رحمدل، ۱۳۸۴، ۱۳۳) که در این زمینه هر دو کشور فوق‌الذکر (ایران و انگلیس از زمان تصویب بیانیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸ «حق داشتن مسکن مناسب، به عنوان یکی از اجزای مهم استانداردهای زندگی مطلوبه معرفی شده است توانسته‌اند از آن تاریخ مقررات خاصی در بخش سرپناه وضع کرده و اقدام به ایجاد وزارتخانه‌های مسکن با گنجاندن دپارتمان مسکن در سایر وزارتخانه‌ها به منظور تخصیص وجوه و تدوین سیاست‌ها، مقررات برنامه‌ها و پروژه‌های خاص در بخش مسکن کرده‌اند.

به نظر می‌رسد امروزه استناد به مسئولیت مدنی دولت (قوه مجریه) در قبال نقض حق مسکن افراد امکان‌پذیر نیست چرا که دولت قادر به تحقق این امر مهم نمی‌باشد از طرفی ضمانت اجرا برای نقض حق مسکن توسط دولت در قوانین ایران در نظر گرفته نشده است شاید همین امر موجب سهل‌انگاری دولت‌ها در تحقق حق مسکن افراد باشد. (شعبانی، ۱۶۰، ۱۳۹۴)

بریتانیا میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را امضا و تصویب کرده است. با این حال دولت (حاکمیت) بطور مستقیم حقوق تحت میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را در قوانین ملی جای نداده است. این به این معناست که افراد نمی‌توانند برای رسیدگی به شکایات مربوط به نقض حق مسکن براساس میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به دادگاه داخلی مراجعه کنند. بعلاوه بریتانیا در حال حاضر پروتکل اختیاری کنوانسیون



را تصویب کرده است که یک مکانیسمی را برای افراد فراهم می‌کند که افراد بتوانند شکایات خود را از نظر اقتصادی و اجتماعی با کمک کارشناسانی که بر اجرای میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نظارت دارند پیگیری کنند اما هیچ حقوق قضایی برای حق مسکن در حقوق داخلی انگلستان وجود ندارد با وجود اینکه حقوق بشر که در سال ۱۹۹۸ و قانون برابری در سال ۲۰۱۰ در میان سایر قوانین ممکن است راهی برای محافظت و اطمینان از جنبه‌های حق مسکن فراهم کند. (The UK signed the Convention, 1968)

اما بریتانیا یکی از اعضای کنوانسیون اروپایی حقوق بشر تحت تعهدات بین‌المللی حق مسکن است که مربوط به حفاظت از حق مسکن می‌باشد. این در حالی است که دادگاه حقوق بشر اروپا حاوی حق مسکن در هر سه ماده کنوانسیون نیست و پروتکل‌های آن ممکن است برای برخی جنبه‌های حق مسکن فراهم کنند. همچنین بریتانیا تعهداتی برای تضمین حق مسکن تحت منشور اجتماعی اروپا دارد. (City Joseph, 237, 1968)

۱-۳- مسئولیت مدنی دولت در قبال نقض آزادی‌های عمومی در حقوق ایران

و کامن لا

در این بحث به بررسی مسئولیت مدنی دولت (حاکمیت) در قبال نقض آزادی‌های عمومی در حقوق ایران و کامن لا خواهم پرداخت مهمترین مسئله در آزادی‌های عمومی، آزادی بیان است که در گفتار اول به بررسی آن می‌پردازم در گفتار دوم مسئولیت مدنی دولت در قبال نقض آزادی مطبوعات در حقوق ایران و کامن لا مورد بررسی قرار خواهد گرفت و در گفتار سوم مسئولیت مدنی دولت در قبال نقض آزادی عقیده در حقوق ایران و کامن لا مورد بررسی قرار می‌گیرد و در گفتار چهارم نیز مسئولیت مدنی دولت در قبال نقض آزادی مذهب در حقوق ایران و کامن لا مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۱-۳-۱- مسئولیت مدنی دولت در قبال نقض آزادی بیان در حقوق ایران و

کامن لا

با توجه به آنچه در خصوص آزادی بیان در حقوق ایران و بریتانیا بیان شد، هر دو کشور در این خصوص قوانین مدرن دارند. اما همان طور که در فوق بیان شد هر دو کشور معیارها و ضابطه‌ای دارند که این قوانین را به نوعی محدود و در تنگنا قرار می‌دهد. در جمهوری اسلامی ایران، آزادی بیان از راه گفتار و به طور شفاهی نه به صورت مستقل بلکه به آزادی بیان در مطبوعات و نشریات و به اصطلاح «آزادی مطبوعات» در اصل ۲۴ قانون اساسی و آزادی بیان و نشر افکار در رادیو و تلویزیون در اصل ۱۷۵ اشاره شده است. در قانون اساسی ایران، اصلی که آزادی بیان را به طور کلی و به صراحت شناخته باشد وجود ندارد؛ اما آزادی بیان عقیده

را می‌توان به طور ضمنی از اصل ۲۳ استنباط کرد. این اصل مقرر می‌دارد: «تفتیش عقاید ممنوع است و هیچکس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد مواخذه قرار داد». ظاهر این اصل، تنها آزادی عقیده را به رسمیت شناخته است و نه آزادی ابراز عقیده یعنی آزادی بیان را. اما به نظر می‌رسد که مراد تدوین‌کنندگان این اصل آزادی ابراز عقیده باشد زیرا جز در این صورت وجود آن به عنوان متنی از حقوق موضوعه بی‌فایده بود. (شکر خواه، ۱۳۸۳، ۶۷).

کشور بریتانیا در سال ۱۹۵۲، عضو کمیسیون اروپایی حقوق بشر گشت. تا به حال، دولت بریتانیا جایگاه این کنوانسیون را فراقانونی تعیین کرده و قوانین داخلی را در صورت مشاهده مغایرت با قواعد کنوانسیون مذکور، اصلاح کرده است؛ فراقانونی بودن کنوانسیون بطور کلی از زمانی آغاز شد، دادگاه اروپایی حقوق بشر، بر علیه دولت (حاکمیت) بریتانیا بدلیل تخلف از آزادی بیان که مربوط به قانون اخلال در نظم دادگاه می‌شد، حکم کرد که در نهایت پارلمان بریتانیا، پذیرفت تا قانون اخلال در نظم دادگاه را مطابق قواعد کنوانسیون اروپایی حقوق بشر تصویب نماید، مبنای این برتری را می‌توان در قانون حقوق بشر انگلستان مصوب ۱۹۹۸ ملاحظه کرد؛ مقامات عمومی نمی‌توانند برخلاف کنوانسیون حقوق بشر اروپایی قانون وضع نمایند. بنابراین با توجه به فراقانونی بودن کنوانسیون اروپایی حقوق بشر برای نظام حقوقی بریتانیا، ماده ۱۰ کنوانسیون مذکور می‌تواند مبنای تضمین آزادی بیان در این کشور باشد. (Meron & Thodor, 1986, 105)

در حقوق ایران در منشور حقوق شهروندی مصوب ۱۳۹۵/۰۹/۲۹ توسط رئیس جمهور، هر شهروندی از حق آزادی بیان برخوردار است. این حق باید در چارچوب حدود مقرر در قانون اعمال شود، شهروندان حق دارند نظرات و اطلاعات راجع به موضوعات مختلف را با استفاده از وسایل ارتباطی، آزادانه جستجو، دریافت و منتشر کنند. (روحانی، ۱۳۹۵، ۶)

از طرفی پاسخگویی از ضروریات کلیدی حکمرانی خوب است خاطی باید از عقاب خود بترسد و نیکوکار باید مورد تفقد و مهربانی و تشویق قرار گیرد از معیارهای تفکیک این دو نوع فضیلت و رذیلت در یک نظام سالم مدنی، وجود پاسخگویی است اصل پاسخگویی جدای از میزان صحت و سقم و یا تخصصی بودن آن یک ارزش مدنی و دینی است نه تنها نهادهای دولتی (حاکمیت) بلکه بخش خصوصی و سازمان‌های غیرانتفاعی و غیردولتی نیز باید به عموم مردم خاصه ذینفعان خود پاسخگو باشند نکته مهم پاسخگویی تنها از طریق اعمال شفافیت و حاکمیت قانون اجرایی می‌شود. (جاوید، ۱۳۹۶، ص ۸۴)

۱-۳-۲- مسئولیت مدنی دولت در قبال نقض آزادی مطبوعات در حقوق ایران

و کامن لا

با مطالعه قوانین و مقررات راجع به مطبوعات در هر دو کشور ایران و بریتانیا می‌توان به این موضوع پی برد که آزادی مطبوعات در هر دو کشور وجود دارد. اما در مقام قیاس می‌بایست به مبانی اعتقادی هر دو کشور رجوع کرد. در کشور ایران با توجه به جنبه‌های دینی محدودیت‌هایی از جنس مذهب بر مطبوعات مترتب است، اما این محدودیت‌ها در بریتانیا به معنایی که در کشور ایران وجود دارد را نمی‌توان یافت. در بریتانیا نیز آزادی مطبوعات در بازخورد با حقوقی از جمله حقوق شهروندی که القاء گر حریم خصوصی است، وجود دارد. بنابراین در تحلیل آنچه از آزادی مطبوعات خوانده می‌شود، به دلیل وابستگی‌های حزبی و صنفی نمی‌توان پتانسیل کامل آن را در حقوق ایران مورد بررسی قرار داد.

در اصل ۲۴ آن چنین آورده است: «نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند، مگر آنکه مخل مبانی اسلام با حقوق عمومی باشد. تفصیل آن را قانون معین می‌کند». همچنین در اصل ۱۷۵ آن آمده است: «در صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور باید تأمین گردد». بنابراین به خوبی روشن است که اسلام و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نه هدایت‌کننده مردم به مرداب سکوت و جمود است و نه دلالت‌کننده آنان به گرداب هرزه‌گوئی و پرده‌داری و پوچ‌گرایی است. (شعبانی، ۱۳۹۴، ۱۸۴)،

بنابراین آزادی مطبوعاتی که مدنظر این اصل قانونی است، آزادی مطبوعات به معنای خاص آن است و تضمین آزادی مطبوعات به معنای عام به غیر از نشریات، به اصل یک صد و هفتاد و پنجم واگذار شده است که مطابق این اصل "در صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور باید تأمین گردد." و همچنین قانون صداوسیما و آیین‌نامه اجرایی آن نیز تصویب شده است که راهکار اجرایی شدن آن در راستای تضمین این آزادی، می‌باشد. بنابراین در نظام حقوقی ایران، آزادی مطبوعات به معنای عام آن تضمین شده است. (مؤمنی راد، پتف، ۱۳۷۷، ۹۱)

فعالیت مطبوعاتی در بریتانیا تابع بعضی مجوزهای خاص می‌باشد از جمله مهمترین آن‌ها، مجوز دخالت در مکان‌های خصوصی است که تابع نظام حقوقی خاصی است. مهمترین محدودیت‌های خاصی که برای فعالیت مطبوعاتی بریتانیا اعمال می‌شود عبارتند از: احترام به حریم خصوصی، زندگی خانوادگی، خانه بهداشت و مکاتبات. مطبوعات در حالی که از هرگونه تعصب و طرفداری بدور است، می‌بایست بطور واضح مسائل نظری، حدسی و حقیقی را از هم تمیز دهد، روزنامه‌نگاران می‌بایست با رضایت اشخاص و بصورت عادلانه در زندگی خصوصی آنان دخالت کنند. عکسبرداری از اشخاص در حوزه خصوصی بدون رضایت آنان مجاز نیست روزنامه‌نگاران نباید موجب آزار، آبرو، یا تعقیب مداوم اشخاص شوند. زمانی که گزارش از خودکشی

منتشر می‌شود. می‌بایست از بیان جزئیات بیش از حد روش مورد استفاده آن خودداری شود. دوستان و آشنایان اشخاص محکوم یا متهم به جرائم نمی‌بایست بدون رضایت بطور کلی تعیین هویت شوند مگر اینکه آن‌ها بطور واقع دخیل در وقوع جرم باشند بنابراین به نظر می‌رسد در این موارد بتوان جبران خسارات وارده را نیز درخواست کرد. (Department for Education and Skills, 2005, 90)

۱-۳-۳- مسئولیت مدنی دولت در قبال نقض آزادی عقیده در حقوق ایران و

کامن لا

اگرچه آزادی عقیده در ایران کمتر از غرب است ولی نظام ایران عادلانه‌تر از غرب تصمیم می‌گیرد و مهم همین است. گاهی دعا بر سر این موضوع این قدر بالا می‌گیرد که انگار مسأله اصلی مناقشه همین است. چرا که؛ آنچه گفته شد ناظر بر نقش محوری دسترسی به اطلاعات و حق آزادی بیان در توانمندسازی شهروندان در جهت بهره‌مندی از حق آزادی عقیده و سایر حقوق بود. یکی از شیوه‌های فراهم آوردن شرایط دسترسی به اطلاعات و آزادی بیان پیگیری اطلاعات از طریق جراید و رسانه‌ها است. با این وجود، در خصوص مورد ایران، اصول ۲۴ و ۱۷۵ قانون اساسی آزادی بیان و اطلاعات در نشریات را در چارچوب «مبانی» و «موازین اسلامی» مقید می‌سازد. (عباسی، ۱۳۸۷، ۱۵۰).

علاوه بر آن قانون مطبوعات ایران نیز شاخص‌های آزادی عقیده را براساس فرامین صاحب منصبان و سیاست‌هایی تعیین می‌کند که منحصرأ مذهب رسمی دولت (حاکمیت) را مدنظر قرار دارد و در ملحوظ داشتن تنوع عقاید ناکام مانده‌اند. اما در مورد بریتانیا هم به صراحت می‌توان گفت، اگرچه یکی از کشورهای است که دولت (حاکمیت) آن، مدعی رعایت حقوق شهروندانش در رابطه با آزادی عقیده و بیان می‌باشد و بارها از دولت (حاکمیت) ایران به دلیل آنچه که نقض آزادی در این موارد می‌خواند، انتقاد کرده است؛ اما حقوق مذهبی چهار مسیحی بریتانیا نشان می‌دهد که واقعیت چیز دیگری است؛ به ویژه وقتی که پای همجنس‌گرایی در میان باشد چرا که، بسیاری از کارشناسان حقوقی انگلستان معتقدند که دولت اهمیت بنیادین حقوق مذهبی را نادیده می‌گیرد؛ در عین حال، همجنس‌بازان از حمایت دولت (حاکمیت) بریتانیا برخوردارند و به نظر می‌رسد آزادی عقیده‌ای که از آن صحبت می‌شود، بیشتر شامل عقایدی از این دست است. (Meron & Thodor, 1986, 105)

با توجه به مطالبی که گفته شد به نظر می‌رسد دولتی (حاکمیت) که اداره امور کشور را در دست دارد باید از پشتوانه انتخاب و اعتماد مردمی و عمومی برخوردار باشد و قدرت خود را براساس نوعی قرارداد اجتماعی با عقیده آزاد کسب کرده باشد و به نوعی: ۱- دولت حق نظارت عمومی را به رسمیت بشناسد. ۲- فرآیند قانونگذاری و همچنین اجرای همان قوانین توسط دولت

می‌بایستی دارای شفافیتی قابل قبولی باشد. ۳- اصل شایسته‌سالاری در انتخاب کارگزاران رعایت شود. ۴- خدمات عمومی مورد نیاز جامعه به صورت مطلوب به وسیله دولت تامین شود. ۵- نظام اداری که اراده دولت از طریق آن اعمال می‌شود کارآمد و قابل اعتماد باشد. ۶- دستگاه قضایی کارآمد مطلوبی داشته باشد و بتواند زمینه‌های برقراری انصاف و عدالت را در جامعه فراهم کند. ۷- نظام سیاسی حاکم از ثبات کافی برخوردار باشد دخالت‌های دولت در عرصه کسب و کار به حد بهینه محدود شود. ۹- مردم و دولت به قوانین جامعه احترام بگذارند. ۱۰- دولت به تعهدات و وظایف خود پایبند باشد.. (جاوید، ۹۶، ص ۸۵)

۳-۴- مسئولیت مدنی دولت در قبال نقض آزادی مذهب در حقوق ایران و

کامن لا

آزادی مذهب در دو کشور ایران و بریتانیا با توجه به قوانین اصلی و عادی قابل بررسی می‌باشد. در ایران با توجه به اندیشه‌های دین اسلام که این باور یعنی: در دین هیچگونه اکراهی نیست را القاء می‌کند، و بیان می‌دارد انسان‌ها به هر مذهبی که می‌خواهند انتخاب کنند ولی ارتداد را نمی‌پذیرد و آزادی مذهب به عنوان یکی از حقوق ریشه‌ای پذیرفته شد و به آن توجه می‌گردد. در ایران ادیان مختلفی وجود دارد که ایران نیز در قانون اساسی برخی از آن‌ها را مورد توجه قرار داده است. (شریفیان، ۱۳۸۰، ۳۹۰) در بازخورد با ادیان و مذهب در بریتانیا می‌توان رویکرد این کشور و کشورهای غرب را با مسلمانان مورد توجه قرار داد. اگرچه در بریتانیا آزادی مذهب وجود داشته و بدان در قوانین اذعان می‌گردد اما در رویه شاهد این واقعیت هستیم که محدودیت‌هایی برای برخی از مذاهب و ادیان به ویژه مسلمانان ایجاد می‌کنند. از جمله این موارد را می‌توان به موضوع سلمان رشدی اشاره کرد. توهین‌ها و تعرضاتی که به برخی از مذاهب در این کشور صورت می‌گیرد و محکمه یا رویه قضایی وجود ندارد تا آن‌ها را محاکمه نمایند از این آزادی کاسته و وجود این آزادی را کمرنگ جلوه‌گر می‌نمایند.

آزادی مذهب و عبادت یکی از ویژگی‌های اساسی و از سنت‌های بریتانیا است. این مضمون را می‌توان در مفاد حل و فصل ۱۷۰۱ که حکم می‌کرد هیچ کاتولیکی نباید پادشاه بریتانیا شود، و نباید با شخصی که دارای مذهب کاتولیک هست ازدواج نماید، محدودیت دیگری اعمال نکرده است. با رشد دموکراسی حاصل از دوران جدید برخی از قوانین تبعیض آمیز علیه اقلیت‌های مذهبی اعمال گردید. قانون جدید حقوق بشر ۱۹۹۸، که شامل کنوانسیون اروپایی حقوق بشر که بر قوانین داخلی تأثیرگذار بود، به نوعی تضمین حمایت از حقوق فردی، از جمله آزادی اندیشه، وجدان و مذهب، و آزادی داشتن یا قبول یک مذهب یا معتقدات به انتخاب یکی را در مفاد خود القاء نمود. سازمان‌های مذهبی و خیریه‌های عمومی به طور کلی مطابق قوانین معاف از مالیات

می باشند. آموزش مذهبی در مدارس دولتی براساس یک برنامه درسی منعکس شده طبق سنت های مسیحی در این کشور انجام می پذیرد (Edvar & - Bengamin, 23, 2009)

۲- مراجع صالح رسیدگی کننده به دعوای مسئولیت مدنی دولت در قبال نقض حقوق شهروندی

در این مبحث به بررسی مراجع صالح رسیدگی کننده به دعوای مسئولیت مدنی در قبال نقض حقوق شهروندی در حقوق ایران و کامن لا خواهیم پرداخت از آنجا که در مسئولیت مدنی آنچه اهمیت دارد جبران خسارت زیان دیده است بنابراین باید مراجع رسیدگی کننده به این موضوع باید به نحوی مشخص شوند تا تکلیف اشخاص زیان دیده روشن شود زیرا اشخاص بدون مراجعه به مراجع قضایی نمی توانند به حق خویش دست یابند بنابراین این موضوع بسیار حائز اهمیت است زیرا در مسئولیت مدنی اصل جبران کامل خسارت اشخاص زیان دیده است.

۲-۱- مراجع صلاحیت دار رسیدگی کننده به دعوای مسئولیت مدنی دولت در قبال نقض حقوق شهروندی در نظام حقوقی ایران

در کل، سازمان قضایی ایران به مراجع عمومی و اختصاصی تقسیم می شود. مراجع عمومی همان دادگاه هایی هستند که صلاحیت رسیدگی به تمامی دعاوی، اعم از حقوقی و کیفری، را دارند؛ به جز مواردی که قانونگذار آن ها را به صراحت در صلاحیت مراجع اختصاصی قرار داده است. رسیدگی به موضوع مسئولیت مدنی در ایران را می توان، به تبع این تقسیم بندی، در دو گونه مراجع عمومی و اختصاصی پیگیری کرد.

۲-۱-۱- مراجع اختصاصی رسیدگی کننده

در این قسمت، دو نوع از مراجع اختصاصی مرتبط با دعوای مسئولیت مدنی دولت (حاکمیت) را بررسی می کنیم:

الف) دیوان عدالت اداری

در اصل ۱۷۴ قانون اساسی آمده است:

دیوان عدالت اداری برای رسیدگی به اعمال و تصمیمات مأموران نهادها و سازمان های دولتی صلاحیت و اختیارات گسترده ای دارد. در ماده ۱۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری، مصوب ۱۳۹۲ ش، از جمله موارد صلاحیت دیوان عدالت اداری رسیدگی به شکایات و تظلمات و اعتراضات اشخاص حقیقی یا حقوقی، علیه تصمیمات و اقدامات واحدهای دولتی (قوه مجریه) و نیز مأمورین آن ها در حدود وظایفشان آمده و در ماده ۱۲ همین قانون به رسیدگی به

شکایت و تظلمات و اعتراضات اشخاص حقیقی با حقوقی از آیین‌نامه‌ها و سایر نظامات و مقررات دولتی (حاکمیت) و شهرداری‌ها و مؤسسات عمومی غیردولتی در مواردی که مقررات مذکور به علت مغایرت با شرع یا قانون و یا عدم صلاحیت مرجع مربوط با تجاوز با سوءاستفاده از اختیارات یا خودداری از انجام وظایفی که موجب تضييع حقوق اشخاص می‌شود، تصریح شده است. در نگاه اول، چنان به نظر می‌رسد که تمامی دعاوی مسئولیت مدنی دولت (حاکمیت) در حیطه اختیارات دیوان است، اما با آوردن قیود نقض قوانین یا صلاحیت نداشتن مرجع مربوط با سوءاستفاده از اختیارات قانونی قلمرو عام اختیارات دیوان را محدود کرده است، چنانکه رسیدگی دیوان فقط به اعمال تقصیرآمیز دولت (قوه مجریه) یا به طور عام خطای اداری دولت محدود می‌شود (غمامی ۱۳۷۹: ۱۳۵).

بنابراین، صلاحیت دیوان عدالت اداری در رسیدگی به دعاوی مسئولیت مدنی دولت (حاکمیت) مطلق نیست. همچنین، در زمینه مسئولیت قراردادی دولت (حاکمیت) بر اثر نقض قرارداد با پیمان‌شکنی، دیوان صلاحیت رسیدگی ندارد و این امور در صلاحیت دادگاه‌های عمومی است. از این رو، به نظر می‌رسد که شمول مواد ۱۰ و ۱۲ قانون دیوان عدالت اداری به ضمان قهری با مسئولیت مدنی دولت به معنای خاص مفید است. البته، طبق تبصره یک ماده ۱۰ این قانون رسیدگی به آن و تعیین میزان خسارات وارد شده از ناحیه مؤسسات و اشخاص یادشده در این ماده پس از صدور رأی در دیوان بر وقوع تخلف در صلاحیت دادگاه عمومی است. گفتنی آن که فقط اشخاص حقیقی یا حقوقی حقوق خصوصی می‌توانند در شعب دیوان در جایگاه خواهان قرار گیرند، چرا که رأی وحدت رویه ۳۷-۳۸-۳۹ هیئت عمومی دیوان عدالت مصوب ۱۳۶۸/۰۷/۱۰ بدین قرار است:

نظر به اینکه در اصل ۱۷۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران منظور از تأسیس دیوان عدالت اداری رسیدگی به شکایات، تظلمات، و اعتراضات مردم نسبت به مأمورین یا واحدهای دولتی تصریح گردیده است و با توجه به معنای لغوی و عرفی کلمه مردم، واحدهای دولتی از شمول مردم خارج و به اشخاص حقیقی یا حقوقی حقوق خصوصی اطلاق می‌گردد و مستفاد از بند یک ماده ۱۱ دیوان (قانون مصوب ۱۳۶۰ ش) و نیز اشخاص حقیقی و حقوقی حقوق خصوصی می‌باشند. علی‌هذا، شکایات و اعتراضات واحدهای دولتی در هیچ مورد قابل طرح و رسیدگی در شعب دیوان عدالت اداری نمی‌باشد (منصوری لاریجانی ۱۳۷۶: ۱۲)

درباره اعتراض به مقررات و نظام‌های دولتی (حاکمیت) و شهرداری‌ها و مؤسسات عمومی غیردولتی در هیئت عمومی دیوان طبق ذیل اصل ۱۷۰ قانون اساسی هر کس اعم از اشخاص حقیقی یا حقوق خصوصی و حقوق عمومی می‌تواند ابطال مقررات مخالف با قوانین و مقررات

اسلامی یا خارج از حدود اختیارات قوه مجریه را در خواست کند. رویه قضایی دیوان نیز چنین است.

طبق ماده ۱۱ این قانون، در مواردی که تصمیمات و اقدامات موضوع شکایت در صلاحیت شعب دیوان باشند، چنانچه شعبه رسیدگی کننده تشخیص دهد که این اعمال موجب تضییع حقوق اشخاص شده‌اند، حکم مقتضی مبنی بر نقض رأی یا لغو اثر از تصمیم و اقدام مورد شکایت یا الزام طرف شکایت به اعاده حقوق تضییع شده صادر می‌کند. این حکم با مسئولیت مدنی تفاوت دارد. برخی بر این نظرند که دیوان عدالت اداری صلاحیت رسیدگی به دعاوی تخلف دستگاه‌های دولتی (حاکمیت) را از قواعد حقوق عمومی دارد. (انصاری، ۱۳۸۰، ص ۳۲)

ب) کمیسیون‌های استانی و ملی جبران خسارت قضایی

از دیگر مراجع اختصاصی در زمینه رسیدگی به مسئولیت مدنی دولت کمیسیون‌های استانی و ملی جبران خسارت قضایی موضوع مواد ۲۵۷ و ۲۰۸ قانون آیین دادرسی کیفری است.

۲-۱-۲- محاکم عمومی رسیدگی کننده (دادگاه‌های عمومی)

الف) صلاحیت عام محاکم عمومی

صلاحیت محاکم عمومی عام و صلاحیت دیوان عدالت اداری در رسیدگی به دعاوی اشخاص خاص است، زیرا از یک سو، طبق اصل ۱۵۹ قانون اساسی دادگستری (محاکم عمومی) مرجع عام رسیدگی به تظلمات و شکایات اشخاص است و مستفاد از ماده یک قانون آیین دادرسی مدنی، تمامی دعاوی مدنی در صلاحیت دادگاه‌های عمومی است. بنابراین، اصل بر این است که همه دعاوی ناظر بر احراز و دریافت خسارت، اعم از خسارت موضوع مسئولیت قراردادی یا خسارت موضوع مسئولیت قراردادی با خسارت موضوع مسئولیت مدنی، در محاکم عمومی رسیدگی می‌شود، مگر موارد خاصی که در صلاحیت دیوان عدالت اداری است. بنابراین نباید، با قوانین و تفاسیر مبهم، اصل و صلاحیت‌ها تغییر پیدا کند.

در مورد مسئولیت مدنی دولت (حاکمیت)، دیوان عدالت اداری اختیارات وسیعی ندارد و فقط در رسیدگی به دعاوی علیه دولت (قوه مجریه)، که مبنای خطا یا تقصیر دارند، نقش ممیز یا مشخص «خطا یا تقصیر» را برعهده دارد، بر این اساس، در بسیاری از موارد حتی پس از اعلام نظر دیوان عدالت اداری، دادگاه‌های عمومی وظیفه مهم احراز دیگر ارکان مسئولیت مانند وجود ضرر یا رابطه سببیت را بر عهده دارند و بر این مبنا، باید به عدم مسئولیت با مسئولیت همراه با جبران ضرر و زیان حکم صادر کنند (غمامی ۱۳۷۶: ۱۳۵).

ب) صلاحیت محاکم عمومی به موجب تبصره یک ماده ۱۰ قانون «دیوان عدالت اداری»

تبصره یک ماده ۱۰ قانون دیوان عدالت اداری «حوزه صلاحیت محاکم عمومی را در این زمینه تعیین میزان خسارت وارد شده از ناحیه مؤسسات دولتی (قوه مجریه) و عمومی و مراجع رسیدگی به تخلفات اداری، پس از صدور رای در دیوان بر وقوع تخلف، اعلام کرده است؛ یعنی در اینگونه موارد محاکم عمومی حق ورود به اساس استحقاق ذینفع را به دریافت خسارت یا احراز ورود خسارت به او ندارند و مانند یک کارشناس پس از صدور رأی دیوان عدالت بر وقوع تخلف به خواهان میزان آن را اعلام می‌کنند و رسیدگی دادگاه منوط به صدور رأی در دیوان عدالت بر وقوع تخلف از ناحیه مؤسسات مندرج در بند ۱ و ۲ ماده ۱۰ قانون دیوان عدالت اداری است.

صلاحیت دیوان عدالت اداری ناظر بر رسیدگی به دعاوی اشخاص علیه دولت در زمینه اقدامات یک جانبه دستگاه‌های دولتی با اعمال اداری آنها اعم از اعمال و تصمیمات موردی و انفرادی یا تصمیمات عام‌الشمول است. بنابراین، احراز تخلف دستگاه‌های دولتی و شهرداری‌ها توسط دیوان عدالت اداری را باید با توجه به صلاحیت دیوان در نظر گرفت. بدین معنا که اگر فعل یا ترک فعل یا تصمیم اداری موجب ورود خسارت به اشخاص شده باشد که اداره مدعی آن است که عملش قانونی است، در این صورت، لازمه پذیرش ادعای اشخاص در ورود خسارت به لحاظ فعل یا ترک فعل یا تصمیم یادشده این است که نخست فعل یا ترک فعل یا تصمیم مورد بحث در دیوان عدالت اداری مورد شکایت قرار گیرد و پس‌امد تصمیم دیوان عدالت اداری رسیدگی محاکم عمومی موضوعیت پیدا می‌کند. اما زمانی که اساساً فعل یا ترک فعل یا تصمیم اداره موضوع بحث نیست و ذینفع مدعی غیرقانونی بودن اقدام اداره نمی‌شود، مثلاً زمانی که اداره اراضی اشخاص را تملک می‌کند، اعم از این که تملک قانونی یا غیرقانونی باشد، ولی ذینفع فقط خسارت ناشی از آن را مطالبه می‌کند موضوع قابل ارجاع به دیوان برای احراز اساس استحقاق فرد به دریافت خسارت نیست و محاکم عمومی صلاحیت رسیدگی به تقاضای اشخاص را در این موارد دارند. در مواردی که ورود خسارت ناشی از تقصیر اداره یا ناشی از اعمالی است که به طور طبیعی خسارت قابل مطالبه‌ای را به اشخاص وارد می‌کند، باز هم دادگاه‌های عمومی مرجع رسیدگی به اساس استحقاق اشخاص و میزان آن هستند (امامی ۱۳۷۹؛ ۱۷۸).

۲-۲- مراجع صلاحیت‌دار رسیدگی‌کننده به دعوای مسئولیت مدنی دولت در قبال نقض حقوق شهروندی در نظام حقوقی کامن‌لا

قوه قضائیه و به طور خاص مراجع و دادگاه‌های رسیدگی به دعاوی در نظام حقوقی کامن‌لا از بریتانیا اهمیت و شأن بالایی دارند، چراکه در تاریخ این کشور حقوق عرفی مشترک و حقوق مربوط به انصاف را دادگاه‌ها و مراجع قضایی بنا نهاده و آنها را توسعه داده‌اند. بنابراین، دادگاه‌ها

و مراجع قضایی عالی در بریتانیا از شأن و جایگاهی به اندازه قوه مقننه و مجریه برخوردارند. از سوی دیگر، به علت حمایت گسترده دادگاه‌ها از حقوق و آزادی‌های فردی افکار عمومی در انگلستان همواره به نقش مثبت قوه قضائیه حقیقی، مستقل، و بی طرف در برابر قوه مجریه و مقننه اعتقاد داشته‌اند (طباطبایی موتمنی ۱۳۸۵: ۱۱۵). از این رو، ویژگی‌ها و ساختار قوه قضائیه را در بریتانیا بررسی می‌کنم.

۲-۱- ساختار قوه قضائیه در بریتانیا

قوه قضائیه در بریتانیا ویژگی‌های خاصی دارد:

۱. طبق اصلی کلی، با عنوان «تجدیدنظر قضائیه»، در بریتانیا قوه قضائیه مرجع اصلی رسیدگی به تمامی دعاوی و شکایات‌ها اعم از مدنی، کیفری، و اداری در این کشور است؛
 ۲. در کنار دادگاه‌ها، نهادی به نام دادسرا نیست که نماینده قانون و قوه مجریه باشد، چراکه در این نظام حقوقی وجود دادسرا با اصل تساوی طرفین دعوی در پیشگاه عدالت مغایر است. تشکیلات قضایی، به علت نبود وزیر دادگستری، در اختیار مهر دار سلطنتی یا قاضی القضاة، در مقام رئیس قوه قضائیه، اداره می‌شود و او قضاة را از میان وکلای دادگستری انتخاب و منصوب می‌کند؛

۳. دادگاه‌های عالی سازمان قضایی نیز در بریتانیا شامل دو دسته دادگاه با عنوان دادگاه‌های عالی و دادگاه‌های تالی است. در رأس سازمان قضایی، دادگاه عالی قضایی قرار دارد که شامل دادگاه‌های عالی عدالت، دادگاه استیناف، کمیته قضایی مجلس اعیان، و کمیته قضایی شورای خصوصی سلطنت است. در کنار این دادگاه‌ها، تعدادی از کمیسیون‌ها و دادگاه‌های شبه قضایی نیز فعالیت می‌کنند که رسیدگی به شکایات و اختلافات اداری را بر عهده دارند. احکام و تصمیمات این دادگاه‌های عالی در برخی شرایط رویه قضایی و سوابقی را تشکیل می‌دهند که برای دادگاه‌های پایین تر لازم‌الاتباع است.

دادگاه‌های تالی در این نظام قضایی از لحاظ صلاحیت، در مقایسه با دادگاه‌های عالی که صلاحیت عام دارند، در درجه دوم اهمیت قرار دارند و دادگاه‌های کانتی و دادگاه‌های ماجستریت را شامل می‌شوند. دادگاه‌های نوع اول صلاحیت رسیدگی به امور حقوقی و دادگاه‌های نوع دوم صلاحیت رسیدگی به امور کیفری را دارند. با وجود این، طی تحولاتی در این سازمان قضایی و به علت افزایش اختلافات و شکایات اداری، تعداد کمیسیون‌ها و مراجع شبه قضایی در بریتانیا افزایش قابل توجهی یافت که در آن‌ها حقوقدانان با غیر حقوق دانان به قضاوت و حل و فصل دعاوی خاص اداری اشتغال دارند (طباطبایی موتمنی ۱۳۸۵: ۱۱۵-۱۱۶).

۲-۲-۲- نظارت قضایی بر اعمال و تصمیمات اداری و مسئولیت مدنی دولت

اصولاً طبق قاعده تجدیدنظر قضایی، که در بریتانیا به منزله اصلی مهم پذیرفته شده، تمامی احکام و آرای صادره از کمیسیون‌ها و دادگاه‌های اداری اختصاصی در آخرین مرحله در دادگاه‌های قضایی بالاتر، یعنی در دادگاه عدالت، قابل تجدیدنظر است و از سوی دیگر، در کمیسیون‌های اداری اختصاصی، تعدادی از قضات قوه قضائیه مشارکت می‌کنند و رسیدگی و دادرسی اداری طبق آیین دادرسی اداری انجام می‌گیرد که کم و بیش تحت تأثیر آیین دادرسی قضایی است (طباطبایی مومنی ۱۳۸۵: ۱۲۵). به موجب قانون اجازه اقامه دعوی علیه دولت، مصوب ۱۹۴۷ م، به دادگاه‌های اداری حق داده شد به شکایات مردم علیه سازمان‌های اداری دولت (حاکمیت) رسیدگی کنند و نیز به موجب قانون دادگاه‌ها و تحقیقات اداری، مصوب ۱۹۵۸ م، شورایی به نام شورای دادگاه‌های اداری، زیر نظر ریاست قوه قضائیه وظیفه نظارت بر اجرا و هماهنگی ساختن وظایف این دادگاه‌ها را برعهده دارد.

طبق قانون ۱۹۴۷ م، در مورد اجازه اقامه دعوی علیه دولت، شخص زیان‌دیده می‌تواند به این کمیسیون‌های اداری مراجعه کند و علیه حکومت مرکزی با دولت محلی و مأموران آن‌ها مستقیم طرح دعوی کند و طبق مسئولیت دولت مطابق این قانون، جبران ضرر و زیان ناشی از اعمال و تصمیمات اداری را تقاضا کند. بنابر قوانین بریتانیا، اعمال و تصمیمات اداری در موارد مختلف می‌توانند نقض شوند، از جمله در موارد سوءاستفاده از اختیارات (*ultra vires*)، خواه از لحاظ ماهوی با صوری و شکلی، توسط مقامات عمومی که موجب بطلان بانقض عمل یا تصمیم اداری در دادگاه شده است و مقامات مسئول باید از عهده زیان‌های وارد شده بر آیند. همچنین، باید عمل یا تصمیم اداری، علاوه بر عدم تجاوز از اختیارات از سوی مقامات مربوطه، معقول باشد. نامعقول بودن تصمیمات نوعی سوءاستفاده از قدرت است و موجب می‌شود دادگاه حکم به نقض و بطلان عمل یا تصمیم اداری دهد.

حق نظارت قضایی و تطبیق آن با قوانین تبعی و حقوق عرفی از اختیارات ویژه دادگاه‌های قضایی است تا هیچ مقام دولتی (حاکمیت) نتواند از اختیارات خود تجاوز کند یا از آن‌ها سوءاستفاده کند. علاوه بر این، دادگاه‌ها و مراجع می‌توانند، چه در دعوای بین دو طرف و به صورت غیرمستقیم و چه به صورت مستقیم و طبق ادعای یک فرد، تمامی اعمال و تصمیمات اداری را بررسی کنند و در صورت اشکالات قانونی، به نقض یا لغو آن حکم صادر کنند (طباطبایی مومنی ۱۳۸۵: ۱۳۲-۱۳۳).

بدیهی است نسبت حقوق شهروندی و فساد قضایی یک رابطه معکوس است به این معنا که وجود فساد قضایی نشان از نبود یا حداقل کم رنگی حقوق شهروندی است همانند دیگر تمهیدات ضد فساد، مقابله با فساد قضایی باید بر پایه ارزیابی ماهیت آن باشد. (جاوید، ۹۶، ص ۱۰۳)

از طرفی در بسیاری از موارد امکان اثبات تحقق مسئولیت مدنی دولت در معنای کل حاکمیت بسیار دشوار می‌باشد و با وجود تخلف دولت از انجام برخی از فعالیت‌ها باز هم نمی‌توان جبران خسارت را بر عهده دولت گذاشت به نظر می‌رسد در خصوص احراز رابطه سببیت برای اثبات تقصیر دولت، کافی است که دولت (قوه مجریه) به وظایف و تکالیف مندرج در قوانین مختلف خصوصاً قانون اساسی عمل ننماید که مصداق بارز ترک فعل که همان صورت تقصیر و تبعاً مسئولیت مدنی را به دنبال خواهد داشت اما با این حال در بسیاری از موارد ضمانت اجرایی برای آن در نظر گرفته نشده است و در عمل بسیاری از موارد خسارت نقض حقوق شهروندی توسط دولت بدون جبران باقی می‌ماند.

۳- نتیجه‌گیری

از کل مباحث نظری در این مقاله مستنبط است که مسئولیت مدنی دولت (قوه مجریه) عمدتاً در صورت ترک فعل، که همان عدم اجرای اصول قانون اساسی است که اغلب اعمال حاکمیتی دولت به معنی خاص یعنی قوه مجریه را در بر می‌گیرد، قابل تحقق است و متأسفانه ضمانت اجراهای قانونی در صورت عدم اجرای اصول، پیش‌بینی نگردیده است و می‌بایستی گام اساسی در قوانین از طریق مجلس شورای اسلامی برای اصلاح این خلاء برداشته شود و صور گوناگون پرداخت خسارت اعم از مادی و معنوی برای شهروندان در اثر عدم اجرای اصول قانون اساسی متصور است که هر یک در جای خود بحث گردید منجمله خسارات مادی در خصوص عدم اجرای اصول مربوط به حق مسکن که به صورت مادی خسارت متوجه شهروندان می‌گردد و نیز در اصول ۱۵ و ۱۹ و ... در صورت نقض آزادی بیان هم خسارات مادی توأم با خسارات معنوی برای شهروندان متصور خواهد بود متأسفانه راهکاری برای جبران این خسارات پیش‌بینی نگردیده است ولی به نظر می‌رسد که هر کدام قابل جبران به صورت تسریع در اجرای اصول با پیش‌بینی در بودجه‌های سال‌های آتی دولت قابل جبران است.

در مسئولیت شخص حقوقی شکی وجود ندارد اما در این که اشخاص حقوقی در قبال نقض حقوق شهروندی نیز مسئول هستند به نظر می‌رسد در حقوق ایران در بسیاری از موارد مسئولیت مدنی دولت (حاکمیت) در قبال نقض حقوق شهروندان متصور است اما در عمل به نظر می‌رسد که فاقد ضمانت اجرای مناسب باشد در پاسخ به مبنای مسئولیت مدنی دولت نیز همان طور که قبلاً بیان کردیم مبنای مسئولیت تقصیر است و تقصیر اعم از فعل و ترک فعل است در مسئولیت



اشخاص حقوقی نیز با توجه به تحقیقاتی که صورت گرفت به نظر می‌رسد در قانون ایران مبنای مسئولیت دولت نیز تقصیر است با مطالعه تبقی که صورت گرفت در حقوق کامن لا نیز مسئولیت مدنی دولت در قبال نقض حقوق شهروندی تقصیر است.

منابع قرآن منابع فارسی ۱- کتب

- ایده، آسیورن، کراوزه، کاتارینا، روسماس، آلن، حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی، (۱۳۸۹) ترجمه اردشیر امیرارجمند، چاپ اول، تهران، نشر مجد
- جلیوند، یحیی، مسئولیت مدنی قضاوت و دولت، چاپ اول، نشر یلدا، تهران، ۱۳۷۳
- رحیمی نژاد، اسماعیل، کرامت انسانی در حقوق کیفری (۱۳۸۷) چاپ اول، تهران، نشر میزان
- روحانی، حسن، منشور حقوق شهروندی (۱۳۹۵)، چاپ اول، نشر معاونت ندوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات معاونت حقوقی ریاست جمهوری
- شریفیان، جمشید، راهبرد جمهوری اسلامی ایران در زمینه حقوق بشر در سازمان بین‌المللی، (۱۳۸۰) چاپ اول، تهران، وزارت امور خارجه
- شعبانی، قاسم، حقوق اساسی و ساختار حکومت جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۶) چاپ پنجاه و چهارم، تهران، نشر اطلاعات
- طباطبایی موتمنی، منوچهر، آزادی‌های عمومی و حقوق بشر (۱۳۸۲) چاپ سوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران
- عباسی، بیژن، حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین (۱۳۹۰) چاپ اول، تهران، نشر دادگستر
- عراقی، عزت‌الله، حقوق کار (۱۳۸۷) چاپ هشتم، تهران، نشر سمت
- غمامی، مجید، مسئولیت مدنی دولت نسبت به اعمال کارکنان خود، چاپ اول، نشر دادگستر، تهران، ۱۳۷۶
- کاتوزیان، ناصر، الزام‌های خارج از قرارداد، چاپ اول، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۴.
- مسجدی، محمد محسن، دیوان اروپایی حقوق بشر و ((حق بر حریم خصوصی و زندگی خصوصی افراد)) (۱۳۹۳) تهران، نشر تیسرا
- مهر پور، حسین، مختصر حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۷) تهران، نشر دادگستر
- نبی زاده، انسیه، حریم خصوصی و رسانه‌ها (صدا و سیما) (۱۳۹۳) چاپ اول، تهران، نشر شهید حسین فهمیده
- جاوید، محمدجواد، نظریه نسبیّت در حقوق شهروندی، ۱۳۹۶، انتشارات خرسندی، چاپ اول
- منصوری لاریجانی، اسماعیل، سیر تحول حقوق بشر و بررسی تطبیقی آن با اصول تفسیر حقوق بشر در اسلام (۱۳۷۶) چاپ پنجم، تهران، نشر تابان

مقالات و پایان‌نامه‌ها

- انصاری باقر حریم خصوصی و حمایت از آن در حقوق اسلام، تطقی و ایران، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی شماره ۶۶، زمستان ۱۳۸۳
- انصاری، باقر، گزارش مبانی مسئولیت مدنی مؤسسات عمومی، دفتر پژوهش و اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری، ۱۳۸۰
- بابانی، ایرج، مسئولیت مدنی و بیمه، مجله پژوهش حقوق و سیاست، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، سال سوم، شماره ۴، تابستان ۱۳۸۰
- رحمدل، منصوره حق انسان بر حریم خصوصی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۷۰، زمستان ۱۳۸۶
- شکر خواه، یونس، آزادی بیان در مصوبه‌های جهانی، یونس سال ۱۵، شماره سوم، ۱۳۹۳
- قاسمیه، مهدی، نظری به آموزش و پرورش در انگلستان، علوم ترینی: آموزش و پرورش (تعلیم و تربیت) شماره ۷۴، اسفند ۱۳۹۳
- معین آبادی، رضاء رسانه‌ها و سریم خصوصی افراد، شیوه‌های حمایت از حریم خصوصی در حقوق ایران و کشورهای آلمان، اسپانیا، فرانسه، ایتالیا، انگلیس و آمریکا، مجله پژوهش‌های ارتباطی، ۱۳۸۳، شمار، ۳۹ و ۴۰
- مهر پور، حسین، دیدگاه اسلام در مورد آزادی عقیده و بهان، فصلنامه دانشکده حقوق و علوم انسانی دانشگاه تهران، شماره ۲۷، بهمن ۱۳۷۰
- مهرپور، حسین، دیدگاه اسلام در مورد آزادی عقبا و بیان تهران، تشریح دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۲۷، ۱۳۷۰
- مؤمنی، راد، پتف، آرین، مقایسه تطبیقی محله و محدودیت‌های حاکم بر آزادی مطبوعات، مجله اطلاع‌رسانی و کتاب‌داری، شماره ۳۴، ۱۳۷۷
- امامی، محمد، تقریرات درس حقوق اداری، دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز، سال ۷۸-۷۹.

منابع خارجی

- Basil Markesinis, Colm O'Cinneide, Jorg Fedike and Myriam Hunter Henin 2013)
- Boutros-Ghali United Nation, World Conference on Rights, New York, United Nations Department of Public Information. (1995)
- C.Adams, (Classification of Privacy Techniques) University of Ottawa Law & Technology urnal , Wl. 3 , H 1 , 035 ,2006
- Citty Joseph D, Chitty on contract, 1968.02. sweet and Maxwell.p.237.



- DCSF, Education and Training for Young People in the Youth Justice System: A Consultation Summary of Responses (2007).
- Department for Education and Skills, Ethnicity and Education: the Evidence on Minority Ethnic pupils, Office of the Commissioner for Human Rights, Report by Mr. Alvaro Gil Robles, Commissioner for Human Rights on his Visit to the United Kingdom, th- 12th (2005)
- Doebbler, Curtis (2006). Introduction to International Human Rights Law. CD Publishing,
- Edvar, Benjamin, Changes in the list of subdivision names and code elements International Organization for Standardization. Retrieved (2009)
- European Foundation for the Improvement of Living and Working Condition, Industrial Relations in the Public Sector, op.cit
- Meron, Thodor, Human Rights law Making in the United Nations, Oxford, Clarendon Press. (1986)
- The National Autistic Society, B is for Bullied: The Experiences of Children with Autism and their Families (2005)
- Bules, Kevin (1999), "I". Disposable People: New Slavery in the Global Economy, University of California Press
- The quotation is from Alan Westin Westin. Alan F. Blom-Cooper. Louis (1970). Privacy and freedom. London: Bodley Head. p. 7.
- The UK signed the Convention in 1968, and ratified it in 1976
- Department for Education and Skills, Ethnicity and Education: the Evidence on Minority Ethnic pupils, Office of the Commissioner for Human Rights, Report by Mr. Alvaro Gil Robles, Commissioner for Human Rights on his Visit to the United Kingdom, th- 12th (2005)